

سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن

هدایت اله نیکخواه، استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان، ایران*

مریم فانی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه هرمزگان، ایران

احمدرضا اصغرپور ماسوله، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نگرش دختران نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن در دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است. چارچوب نظری این پژوهش، ترکیبی از مجموعه نظریات مدرنیزاسیون، گذار جمعیتی دوم، نقش، انتخاب عقلانی و نظام کارکردی پارسونز است که برای بررسی متغیرهای هزینه فرصت، کلیشه‌های نقش جنسیتی و دینداری استفاده شده است. روش پژوهش در این مطالعه، پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول عمومی کوکران ۳۷۴ نفر (۲۲۲ نفر در مقطع کارشناسی، ۱۱۰ نفر در مقطع کارشناسی ارشد، ۴۲ نفر در مقطع دکتری) تعیین شده است. پرسشنامه در سطح دانشگاه فردوسی مشهد و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم اجرا شده است. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی (ضریب همبستگی و تفاوت میانگین، رگرسیون، تحلیل مسیر) و با کمک دو نرم‌افزار Amos و Spss بررسی شدند. نتایج نشان می‌دهند بین متغیرهای مدنظر با نوع نگرش به ازدواج، رابطه وجود دارد. همچنین بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، دینداری، هزینه فرصت و کلیشه‌های نقش جنسیتی با نوع نگرش به ازدواج، رابطه وجود دارد. بیشترین میزان اثرگذاری در نگرش سستی به ازدواج مربوط به متغیر دینداری و برای نگرش مدرن به ازدواج، مربوط به هزینه فرصت است. همچنین به لحاظ توصیف توزیع پاسخگویان نسبت به نوع نگرش به ازدواج، نتایج نشان دادند بیشتر پاسخگویان، نگرش سستی تری به ازدواج داشتند.

کلیدواژه‌ها: دینداری، کلیشه‌های نقش جنسیتی نگرش به ازدواج، نگرش سستی، نگرش مدرن، هزینه فرصت

مقدمه و بیان مسأله

ازدواج^۱ از مهم‌ترین رسوم معمول در تمام جوامع است که به دلیل نقش مهم آن در فراهم کردن ساختار و زیربنای تشکیل خانواده و گسترش نسل، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نوع ارتباط معرفی شده است (Higgins et al., 2002). ازدواج نه تنها در سلامت جسمی و روانی فرد مؤثر است؛ نقش مهمی در ورود انسان به دوره بزرگسالی بر عهده دارد. همچنین ازدواج، پدیده‌ای مطلق و فارغ از بستر زمان و مکان نیست؛ بلکه در هر زمان و در هر جامعه، چهره خاصی دارد و با جامعه نیز دگرگون می‌شود (شعاع کاظمی و هرندی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

مسأله ازدواج و زناشویی از جمله مسائل مهم بشری در طول تاریخ بوده است، به همین دلیل به این مسأله علاوه بر ادیان و مذاهب، رشته‌های علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی و ... نیز توجه کرده‌اند. با توجه به اهمیت نهاد خانواده، هر گونه تغییر و تحول در جامعه، نهاد خانواده را نیز تغییر خواهد داد. افزایش سن ازدواج دختران و رواج پدیده تجرد در آنان از جمله تحولاتی است که به دنبال تغییرات کلان در سطح جامعه ایجاد شده است.

توسعه و نوسازی در دنیای جدید با تغییر سریع و در خور توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی، تغییر در زمان ازدواج و تأخیر آن را به زمان‌های دورتر موجب شده است. پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی، گسترش تحصیلات همگانی و مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از خانه از جمله عواملی هستند که در تأخیر ازدواج نقش دارند (محمودیان، ۱۳۸۳: ۴۸). پدیده افزایش سن ازدواج و بروز تجرد، باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده می‌شود و به دنبال این امر به‌طور طبیعی نابسامانی‌هایی مانند شیوع انواع فسادهای اجتماعی، بحران میل جنسی، فرار دختران و ... در سطح جامعه به وجود می‌آید.

یکی از چالش‌های بنیادی پیش روی جوامع در حال گذار از دوران سنتی به مدرن، چالش سنت‌های کنونی با ارزش‌های

مدرن است. بنیان‌ها و ارزش‌های مدرن، که در دیدگاه‌های اندیشمندان غربی ریشه دارد و امروزه سازه‌های بنیادی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ و تمدن نو شمرده می‌شود، با بیشتر ارزش‌های سنتی کنونی در جوامع در حال گذار سازگاری ندارد؛ از این رو، به نظر می‌رسد هیچ یک از این بنیان‌های ارزشی را کاملاً نمی‌توان رد کرد، بلکه باید تلاش کرد پیوند و آمیزشی بین ارزش‌های سنتی و مدرن ایجاد کرد.

جامعه ایران در سال‌های اخیر، همگام با دگرگونی‌های ساختی و فنی و ارتباط با جامعه جهانی، تغییرات گوناگونی یافته است. ارزش‌ها و نگرش‌ها درباره نهاد خانواده، ازدواج و شیوه‌های همسرگزینی از جمله زمینه‌هایی بوده‌اند که در معرض این تغییرات و دگرگونی‌ها قرار گرفته‌اند.

از سویی با توجه به حضور پررنگ زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های زنان و دختران در مسائل گوناگون اجتماعی، بسیار مهم شمرده می‌شود. علاوه بر این، دگرگونی‌های ساختاری در آموزش و کار زنان، افزایش توانمندی‌های آنان در زمینه‌های اجتماعی و رشد تفکرات فمینیستی، آن‌ها را به بازنگری در نقش‌ها و هویت‌های سنتی خود و دگرگون کردن آن واداشته است. آنان خواستار حقوق برابر در همه زمینه‌های زندگی و جهان اجتماعی و آزادی بیشتر در گزینش همسر و شیوه‌های همسرگزینی هستند.

از سوی دیگر، جوانان با هنجارهای مذهبی، اجتماعی و خانوادگی خود روبه رو هستند که برخورد سخت‌گیرانه‌ای با این تفکرات و آزادی‌خواهی آنان نشان می‌دهند. همان‌گونه که اینگلهارت (۱۳۸۳) اشاره می‌کند جامعه‌پذیری، نقش بسیار مهمی در ساخت ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و همچنین سوگیری‌های اجتماعی آن‌ها درباره بسیاری از مسائل اجتماعی از جمله جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد ناسازگاری این دو دسته از ارزش‌ها، آن‌ها را در دوگانگی میان ارزش‌های سنتی و مدرن بر سر مسأله ازدواج سرگردان کرده است. این سرگردانی به‌ویژه برای دختران،

¹ Marriage

زنان، نگرش فرامادی به ازدواج، استقلال زنان و سن پاسخگویان بیشترین تأثیر را در میزان شکاف بین رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج دارند. نتایج نشان می‌دهند ترکیبی از مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی، جمعیتی و عوامل زمینه‌های قومی فرهنگی، تبیین بهتری از شکاف در رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج به دست می‌دهند.

دلخموش (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش» انجام داد. روش پژوهش، پیمایشی و روش نمونه‌گیری، روش چندمرحله‌ای است. جامعه آماری شامل مجموعه نوجوانان و جوانان دانش‌آموز و دانشجوی ایرانی مشغول به تحصیل در رشته‌های مختلف پایه سوم متوسطه دبیرستان‌ها و شاخه‌های مختلف دوره کارشناسی و دکترای حرفه‌ای دانشگاهی ایران است.

نتایج نشان می‌دهند مثبت‌ترین بازخورد به موضوع‌های ازدواج، بر ارزش‌های خودپیروی و برابرنگری مبتنی است و منفی‌ترین بازخوردها به موضوع‌هایی مربوط است که ارزش‌های محاط‌شدگی در ازدواج را پاس می‌دارند. علاوه بر این جوانان به صورت غیرسستی‌تر به ازدواج روی آورده‌اند.

مجدی و رضایی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «سنجش نگرش دانشجویان پسر مجرد دانشگاه فردوسی نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن» انجام دادند. روش پژوهش، پیمایش است و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه نمونه شامل کلیه دانشجویان پسر مجرد دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ است و نمونه به شیوه تصادفی ساده به تعداد ۲۰۰ نفر از تمامی دانشکده‌ها انتخاب شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند چندین متغیر از جمله نگرش به زن، رضایت از زندگی، روابط والدین با یکدیگر و نگرش دوستان درباره ازدواج در نگرش نسبت به ازدواج تأثیرگذار است.

حبیب‌پور گتایی و غفاری (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «علل افزایش سن ازدواج دختران» انجام دادند. روش پژوهش، پیمایشی است و جامعه آماری را دختران و زنان متأهل ۲۵ تا

چالش بزرگی است که آن‌ها را به بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی ممکن است بکشاند؛ بنابراین با توجه به افزایش سهم زنان در آموزش عالی، گسترش اجتماعات شهری، تنوع فرهنگی و گرایش به بازار کار و اشتغال زنان، مسأله بررسی نگرش دختران به ازدواج، امری ضروری به نظر می‌رسد. شناخت نگرش دختران درباره مسأله ازدواج تا اندازه‌ای در پیش‌بینی رفتار آن‌ها در آینده می‌تواند به ما کمک کند و همچنین آن‌ها را از آسیب‌های روانی و اجتماعی‌ای آگاه کند که تهدیدشان می‌کند.

از این رو، این پژوهش در پی دستیابی به دو هدف عمده است:

- بررسی نگرش دختران دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد به مسأله ازدواج

- بررسی عوامل مؤثر در نگرش دختران دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد به مسأله ازدواج.

پیشینه پژوهش

پورافکاری و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و نگرش به ازدواج: مطالعه موردی دانشجویان دختر ۲۵-۱۸ ساله دانشگاه اصفهان» انجام دادند. روش پژوهش، میدانی و کتابخانه‌ای است و نمونه به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهند بین میزان درون‌گرایی، برون‌گرایی، سلطه‌پذیری، سن، پایگاه و عقاید مذهبی و نگرش به ازدواج، رابطه وجود دارد؛ ولی بین سلطه‌گری و نگرش به ازدواج، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است.

حسینی و گراوند (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «سنجش عوامل مؤثر در شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوه‌دشت» انجام دادند. روش پژوهش، پیمایشی و روش نمونه‌گیری، ترکیبی از روش‌های خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تصادفی و تصادفی نظام‌مند است. نتایج، نشان‌دهنده بروز شکاف در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج برای دختران هستند. بر اساس این بررسی، پایگاه اقتصادی اجتماعی

ولوبی^۲ (2010) برای درک چگونگی تغییر نگرش نسبت به ازدواج در بزرگسالی پژوهشی با عنوان «مدار نگرش به ازدواج در نوجوانی، جوانان و نوجوانان» انجام داد. نمونه این پژوهش شامل هزار نفر از دانش آموزان دبیرستان است که تغییرات در نمونه‌ها به مدت ۴ سال دنبال شد. نتایج نشان می‌دهند نمونه‌ها، ازدواج را عاملی برای انتقال به دوره بزرگسالی در نظر می‌گرفتند. همچنین ساختار خانواده، اهداف اصلی، نژاد و جنس، نگرش نسبت به ازدواج را تغییر دادند. مارتین^۳ و همکاران (2003) پژوهشی را برای سنجش نگرش جوانان به جنبه‌های مختلف ازدواج و زندگی خانوادگی با عنوان «بیان نگرش نوجوان به زندگی خانوادگی» انجام دادند. بیشتر پاسخگویان، نگرش منفی نسبت به طلاق داشته و ازدواج را تعهدی بلندمدت قلمداد کرده‌اند. حدود ۳۰ درصد پاسخگویان، نگرش مثبتی به رابطه جنسی قبل از ازدواج داشته و بیشتر آن‌ها نیز قبل از ازدواج، رابطه جنسی داشته‌اند. همچنین بیشتر پاسخگویان نیز با مشاوره‌های پیش از ازدواج موافق بوده‌اند.

مالهوترا^۴ و همکاران (1992) برای بررسی شباهت‌های نسلی دختران و مادران در ادراک‌های ازدواج، پژوهشی با عنوان «مادران، دختران، ازدواج: تبیین شباهت‌ها در ادراک‌های نسلی در سریلانکا» انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهند نگرش دختران و مادرانشان به ازدواج نسبتاً مدرن است. در تبیین این وضعیت، گسترش تحصیلات و استفاده از رسانه بسیار مهم بوده است، به‌گونه‌ای که در جامعه‌ای که فرصت‌های تحصیلی و رفاه اجتماعی برای زنان در دسترس باشد، مادران و دختران بر ابعاد فردی ازدواج بیشتر از ابعاد خانوادگی تأکید دارند.

مبانی نظری

نظریه مدرنیزاسیون^۵ را ویلیام گود^۶ مطرح کرده است. وی تبیین تفاوت سن ازدواج افراد از مفهوم مدرنیزاسیون استفاده

۴۴ ساله ساکن در مراکز شهری کشور تشکیل داده‌اند و حجم نمونه برابر با ۱۲۹۱ نفر از این دختران در ۵ مرکز شهر تهران، ساری، خرم‌آباد، مشهد و سنندج بوده‌اند. نتایج نشان می‌دهند دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، تحصیلات بالاتر و نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که با ازدواج، هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته، بیشتر از فرصت ازدواج است.

کاظمی‌پور (۱۳۸۸) پژوهشی با عنوان «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی» انجام داد. روش پژوهش مبتنی بر روش‌های مطالعه اسنادی و توصیفی - تحلیلی با استفاده از روش پیمایشی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند ازدواج‌های دانشجویان به سمت غیررسمی شدن پیش می‌روند. همچنین در جامعه ایران، نهاد خانواده و تعاملات درون اعضای آن به میزان رشد و توسعه صنعتی شدن و شهرنشینی در کشور رشد نکرده‌اند. در این میان، طلاق میان افراد با پایگاه اجتماعی پایین‌تر بیشتر از بقیه بوده است. در نهایت بر اساس نظریه مبادله، بسیاری از جوانان برای انتخاب همسر، بیشتر به انتخاب عقلانی توجه دارند و نگرش به ازدواج در جوانان به امری عقلانی تبدیل شده است.

گوبرنسکایا^۱ (2008) برای بررسی تغییر نگرش افراد نسبت به ازدواج و کودک، پژوهشی با عنوان «تغییر نگرش به ازدواج و فرزند در ۶ کشور» با استفاده از داده‌های برنامه بین‌المللی پیمایش (سازمان) اجتماعی (ISSP) برای سال‌های ۱۹۸۸، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ در اتریش، آلمان (غرب)، بریتانیای کبیر (انگلستان)، ایرلند، هلند و ایالات متحده آمریکا انجام داده است. نتایج نشان می‌دهند مطابق ایده نهادینه‌شدن ازدواج و نظریه گذار جمعیتی دوم، افکار عمومی در این کشورها در حال دورشدن از هنجارهای سنتی ازدواج و باروری واجب است. این تغییرات به‌طور عمده بین نسلی هستند. در همه کشورهای، زنان مجرد و دارای تحصیلات بهتر، شاغل و افراد کمتر مذهبی، دیدگاه سنتی کمتری نسبت به ازدواج و فرزند داشتند؛ با این حال، تفاوت بین کشورها در خور توجه است.

² Willoughby

³ Martin

⁴ Malhotra

⁵ Modernization

⁶ William Good

¹ Gubernskaya

گسترش ایده‌های پست‌ماتریالیستی، یعنی تأکید بر استقلال فردی و خودتحقق‌بخشی را عامل تغییرات نوین خانواده تلقی می‌کند (عسکری ندوشن، ۱۳۸۸: ۵). در جریان گذار جمعیت‌شناختی اول، بعد خانوار کاهش یافت. کاهش بعد خانوار، پیامدهای جمعیتی و اجتماعی به همراه داشت. این پیامدها، زمینه را برای تغییرات ذهنی در میان خانوارها فراهم کردند. تغییرات ذهنی ناشی از گذار جمعیت‌شناختی اول به تدریج تغییراتی در زندگی خانوادگی و زناشویی ایجاد کردند که این تغییرات در چارچوب نظریه‌گذار جمعیت‌شناختی دوم تئوریزه شدند. به طور کلی، این نظریه تغییرات بنیادین ارزشی و گسترش ایده‌های فرامادی، یعنی تأکید بر استقلال فردی و خودتحقق‌بخشی را عامل تغییرات نوین خانواده تلقی می‌کند (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱). این عوامل، در کنار همدیگر، ترجیحات و سلیق افراد را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغییر داده و در نتیجه، باعث تغییراتی در نگرش و رفتار ازدواجی فرد شده‌اند. نظریه‌گذار جمعیتی دوم بر تأثیر هماهنگ عوامل اقتصادی و اجتماعی (به ویژه تضعیف کنترل هنجاری و افزایش استقلال اقتصادی زنان)، فرهنگی (سکولاریزاسیون) و فناوری مدرن (جلوگیری از حاملگی) در افزایش سن ازدواج تأکید دارد؛ بنابراین بر اساس نظریه‌گذار جمعیت‌شناختی دوم، افزایش تصاعدی در خودمختاری فردی در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی و سیاسی، اساس تغییرات انجام‌شده در تشکیل خانواده است. سکولاریسم، جنبش‌های رهایی‌بخش، گسترش ارزش‌های فرامادی‌گرایی (نظیر توسعه شخصی و خودشکوفایی)، تردید نسبت به نهادها و افزایش بی‌تابی نسبت به دخالت افراد بیرونی در زندگی شخصی (از هر نوع منبع اقتدار) جزء جنبه‌های مختلف تحول در ارزش‌ها هستند که باعث شده‌اند فرد بر اساس اراده آزاد خود برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد؛ بنابراین کاهش ازدواج و افزایش جایگزین‌هایی مانند هم‌خانگی را نمود نگرش غیرهمنوا و اعتراض علیه منابع اقتدار و شیوه‌ای برای آشکارکردن آزادی فردی در مقابل

کرده است. بر اساس این، کاهش یا افزایش سن ازدواج با درجات مدرنیزاسیون مقایسه شده است. مدرنیزاسیون در سطوح فردی و اجتماعی با تأثیرگذاری در زمان ازدواج انجام می‌شود. در میان مهم‌ترین عامل‌های مدرنیزاسیون، به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی می‌توان اشاره کرد. افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر، نسبت به مناطق روستایی، ازدواجشان با تأخیر انجام می‌شود (آستین‌افشان، ۱۳۸۰: ۱۵). در جریان مدرنیزاسیون، خانواده‌محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود. فرایند مدرنیزاسیون با ترجیح خانواده‌هسته‌ای، فردمحوری در مقابل خانواده‌محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج‌های با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می‌کند. در این جریان، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود. این تغییر کارکرد، شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خویشاوندی می‌کند؛ در نتیجه، خانواده به واحد هسته‌ای تبدیل می‌شود که بر فردگرایی استوار است؛ یعنی بخش عمده‌ای از تصمیم‌های مربوط به زندگی اعضای خانواده مانند تصمیم‌گیری درباره تشکیل خانواده و ازدواج را خود افراد اتخاذ می‌کنند. این ازدواج‌ها با انتخاب آزاد، معمولاً با سنین ازدواج بالاتر همبسته‌اند (محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۴-۲۹). ویلیام گود بر اساس این نظریه، دگرگونی‌های به وجود آمده در خانواده را نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری (جامعه) و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی می‌داند. به عقیده وی زمانی که دگرگونی‌های ساختاری (دگرگونی‌هایی مانند صنعتی‌شدن، شهرنشینی و ...) و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی، هر دو در سطح کلان رخ می‌دهند، سازمان‌های سطوح خرد (خانواده) نیز به اجبار باید خود را با این دگرگونی‌های سطح کلان انطباق دهند (اعزازی، ۱۳۸۹: ۱۷). بر اساس نظریه‌گذار جمعیتی، تغییرات بنیادی ارزشی و

قراردادها و عرف می‌توان دانست (روزیتا و فرابونی، ۲۰۰۴ به نقل از حبیب‌پور گنابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲).

رویکرد فمینیستی-مارکسیستی در تحلیل شرایط اقتصادی، بر قدرت مردان و زنان در پیوند ازدواج تأکید می‌ورزد و ازدواج را در چارچوب «نظریه بازی‌ها» بررسی می‌کند (لندبرگ^۱ و آپولاک، ۲۰۰۵ به نقل از ضرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۰). از این منظر، به تدریج با ایجاد فرصت‌های شغلی بهتر و بیشتر برای زنان و استقلال اقتصادی آنان و نیز قوانین و برنامه‌های حمایتی از زنان، مادران و فرزندان، قدرت چانه‌زنی زنان نیز در ازدواج افزایش یافته و قدرت انتخاب تجرد را به آنان داده است. وجود این قدرت تاریخی مردان، انگیزه‌ای برای زنان برای ترک ازدواج شده است که کاهش رشد ازدواج‌ها را توجیه می‌کند و این در شرایطی است که زنان به لحاظ اقتصادی از مردان مستقل شده باشند و سرسختی و سازش‌ناپذیری مردسالارانه همچنان در تضادهای خانوادگی وجود داشته باشد (مک کرات، ۱۹۸۷ به نقل از ضرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۱).

در نظریه انتخاب عقلانی، که ابتدا در نظریه مبادله ظهور یافت، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. کنش عقلانی در این منظر، کنش عقلانی معطوف به هدف در تعریف وبر یا کنش مبتنی بر عقلانیت ابزاری است. این افراد آگاه، خودمختار و هدفمند در هر شرایطی به دنبال به حداکثر رساندن سود خود هستند. «کار فاعلانی عاقلانه است که در چارچوب اعتقاداتشان، نسبت به شقوق ممکن و عواقب مختار شقوق، شقی را برگزینند که برای رسیدن به غایاتشان بهترین راه باشد» (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۹). هرسانی نیز عمل عقلانی را در زندگی روزمره، رفتاری می‌داند در آن افراد بهترین وسایل در دسترس را برای رسیدن به یک هدف مشخص انتخاب می‌کنند. استفان فیشر (۲۰۰۳) به صورت خلاصه، مفاهیم و فرضیه‌های نظریه انتخاب عقلانی را چنین بیان می‌کند:

هدف این نظریه، تولید قواعد جهانی یا عمومی حاکم بر

رفتار اجتماعی با تعریف تعادل است. تعادل وقتی وجود دارد که هیچ‌کس به تغییر رفتار خود تمایل نداشته باشد. این تعادل وقتی است که افراد (نه گروه‌ها) نفع مدنظر خود را به حداکثر می‌رسانند.

این نظریه بر پایه فردگرایی روش‌شناختی است، نه فردگرایی وجودشناختی؛ یعنی انتخاب عقلانی، وجود گروه‌ها را انکار نمی‌کند؛ بلکه ادعا می‌کند فقط افرادند که عمل می‌کنند.

ترجیحات افراد در این نظریه، متعددی است: اگر من A را به B و B را C ترجیح بدهم، باید A را به C نیز ترجیح دهم (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۶)

الیزابت گرمن (۲۰۰۵) کلیشه‌های جنسیتی^۴ را ساختارهای فرهنگی مشترک در جامعه می‌داند که ویژگی‌هایی را توصیف می‌کنند که مردان و زنان با آن‌ها شناخته می‌شوند. گرمن معتقد است کلیشه‌ها و تعصبات درون‌گروهی در درک و ارزیابی افراد از دیگران تأثیر می‌گذارند (Gorman, 2005: 714). بر اساس تعریف الیزابت گرمن و سایر تعریف‌های موجود درباره کلیشه‌های جنسیتی گفتنی است کلیشه‌ها یا تصورات قالب جنسیتی، مجموعه باورها و بایدهایی را به مردان و یا زنان می‌آموزند که به واسطه مرد و یا زن بودن خود چگونه رفتار کنند. بر اساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان، ویژگی‌هایی خاص و منحصر به فرد، خواه در رفتار و خواه در عمل دارند؛ به عنوان مثال، برای یک زن، کلیشه‌ها و ویژگی‌هایی چون حساس، آرام، ظریف، مهربان، وابسته، خانه‌داری، همسر داری و ... و برای یک مرد، ویژگی‌هایی چون مسئولیت‌پذیر، مغرور، خشن، بااراده، شغل بیرون از منزل و ... مطرح است.

در نظریه نقش، مفاهیم پایگاهی و نیز نقش و مجموعه‌های نقشی اهمیت می‌یابند. در واقع، پایگاه، موضعی است که فرد در ساختار اجتماعی جامعه خود، اشغال می‌کند و بر اساس ارزشمندی آن پایگاه به لحاظ میزان کشش، قدرت، تسلط و یا

¹ Lundberg

² Pollak

³ McCrate

⁴ Gender stereotypes

مربوط به هویت جنسی ارائه کرده است. هویت جنسی زمانی شکل می‌گیرد که کودکان، معنا و تصویری از خود می‌سازند که دربردارنده مفاهیم مردانگی یا زنانگی است و جنسیت به بخشی از خودپنداره آن‌ها تبدیل می‌شود. به عقیده بم، کودکان این آمادگی عمومی را دارند که اطلاعات راجع به خودشان را بر مبنای تعریف‌های اجتماعی رفتارهای مناسب برای هر جنس، سازمان‌دهی کنند. به موازات رشد کودکان، آن‌ها به تفصیل عقاید کلیشه‌ای مربوط به مرد یا زن بودن را (کلیشه‌های جنسیتی) در فرهنگ خودشان می‌آموزند (بایرون و بیرن، ۱۹۹۷: ۱۷۷ به نقل از ریاحی، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

یکی از موضوعات جامعه‌شناسی، که پارسونز مطالعه کرده است، موضوع خانواده است. اهمیت اندیشه‌های پارسونز درباره خانواده، کمتر از اندیشه‌های کلان جامعه‌شناسی او نیست. وی با مطالعه خانواده‌های طبقه متوسط امریکا (به عنوان جامعه‌ای مدرن و مطلوب) الگوی هسته‌ای خانواده را به صورت الگوی شایع دنیای مدرن رصد می‌کند و آن را کارآمدترین الگو در شرایط جدید جهان می‌داند. بر اساس نظریه پارسونز، مبنای اصلی خانواده هسته‌ای، ازدواج است. پارسونز مباحث نظری مربوط به الگوی هسته‌ای خانواده را بر اساس اندیشه‌های کارکردگرایانه خود و نیز بر اساس نظریه ابتکاری خود یعنی نظریه نظام کنش پایه‌ریزی می‌کند (امین مجد و کرمی، ۱۳۸۹: ۹۶). کنش اجتماعی، موضوع جامعه‌شناسی پارسونز است. به نظر پارسونز چون جریان کنش متقابل، خصلت اجتماعی دارد و ارزش‌ها در آن مؤثر هستند، کنش اجتماعی را بدون در نظر گرفتن نظام اجتماعی، که خود مرکب از نظام فرهنگی و شخصیتی است، نمی‌توانیم مطالعه کنیم. کنش تحت تأثیر چهار خرده‌نظام شکل می‌گیرد که یکی از آن‌ها نهاد دینی است. نهاد دینی مسئولیت ثبات اخلاقی را به عهده دارد و از ارزش‌های فرهنگ عمومی مراقبت می‌کند. پارسونز در تعریف دین می‌گوید: مجموعه‌ای از باورها، اعمال، شعایر و نهادهای دینی که انسان‌ها در جوامع مختلف بنا کرده‌اند. در نظریه پارسونز، نهاد دینی، که مسئولیت ثبات اخلاقی جامعه را بر عهده دارد و از ارزش‌های فرهنگی

حیثیت، جایگاه معینی را در سلسله‌مراتب اجتماعی به خود اختصاص می‌دهد؛ یعنی پایگاه، موضعی است که فرد در سلسله‌مراتب اجتماعی اشغال می‌کند و نقش، مجموعه امتیازات و تکالیف نهفته در پایگاه محسوب می‌شود که جامعه و دارنده پایگاه به طور متقابل از یکدیگر انتظار دارند. عبارت مجموعه نقشی، به کلیه روابط نقشی یک شخص گفته می‌شود که با دیگران به دلیل پایگاه اجتماعی خاص خود برقرار می‌کند. اعضای یک نظام اجتماعی معین ممکن است به کسانی پاداش دهند که نقش‌های مقرر را خوب اجرا می‌کنند و کسانی را تنبیه کنند که به این هنجارها پاسخ منفی می‌دهند (دوج و کراس، ۱۳۷۸: ۱۸۹). بدین ترتیب گفتنی است نقش جنسیتی عبارت است از انتظارات غالب در یک جامعه درباره فعالیت‌ها و رفتارهایی که مردان و زنان می‌توانند و یا نمی‌توانند در آن‌ها درگیر شوند (کامیر و همکاران، ۱۹۸۹: ۳۲۵ به نقل از ریاحی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). بدین ترتیب، وقتی از مفهوم نقش جنسیتی سخن می‌گوییم علاوه بر اختصاص وظایف و کارهای خانگی یا اجتماعی جداگانه به هر یک از دو جنس، انتظار ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری متفاوت از هر یک از دو جنس نیز مدنظر است (ریاحی، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

مفهوم طرحواره، به ساختی شناختی اطلاق می‌شود که نشان‌دهنده آگاهی و شناخت فرد راجع به یک مفهوم با یک نوع محرک (شامل اسناد آن و روابط میان اسناد) است. طرحواره‌ها، شیوه‌های مهم قالب‌سازی دیدگاه یک فرد درباره جهان در نظر گرفته می‌شوند؛ زیرا در فرایندهای توجه، حافظه و استنباط اجتماعی تأثیر می‌گذارد (میلتون، ۲۰۰۰). انواع متفاوتی از طرحواره‌ها بررسی شده‌اند؛ نظیر طرحواره‌های مربوط به اشخاص، طرحواره‌های مربوط به خود، طرحواره‌های مربوط به نقش، طرحواره‌های مربوط به وقایع و رویدادها و طرحواره‌های آزاد (ایروانی و باقریان، ۱۳۸۳: ۵۹). یکی از مهم‌ترین طرحواره‌های بررسی شده، طرحواره جنسیت است که مطالعه درباره آن به ارائه نظریه طرحواره جنسیت منجر شده است. این نظریه را ساندررا بم در چارچوب نظریات

دستیابی به نتایج تعمیم‌پذیر را برای پژوهشگر فراهم می‌کند؛ یعنی با مطالعه روی نمونه‌گزینش‌شده از یک جامعه آماری، یافته‌ها را به کل جامعه آماری تعمیم دهد (دواس، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۳).

تکنیک گردآوری اطلاعات ضروری برای پژوهش حاضر به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. بدین صورت که برای جمع‌آوری مبانی تجربی و نظری پژوهش و رسیدن به فرضیه‌های پژوهش از شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری داده‌های لازم برای توصیف و تحلیل فرضیه‌ها از پرسشنامه استفاده شده است.

جامعه آماری

در این پژوهش، جامعه آماری را کلیه دانشجویان دختر مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه فردوسی مشهد در نیمسال اول ۹۴-۹۳ تشکیل می‌دهند.

نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه

با توجه به وسعت و تعداد زیاد جمعیت آماری فوق و در نظر داشتن محدودیت زمانی و محدودیت امکانات و ... با انجام نمونه‌گیری، تعداد متناسب با جامعه آماری برای انجام مطالعه مشخص شد. حجم نمونه مقتضی به دو عامل کلیدی بستگی دارد: درجه دقت مدنظر برای نمونه و میزان تغییر در جمعیت بر حسب خصوصیات اصلی مدنظر (دواس، ۱۳۸۷: ۷۸).

بر اساس آمار به‌دست‌آمده از اداره آموزش دانشگاه فردوسی، مجموع دانشجویان دختر این دانشگاه در مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ تعداد (۱۳۱۸۱) نفر بوده‌اند که با استفاده از فرمول کوکران، جمعیت نمونه پژوهش با احتمال ۹۵ درصد اطمینان، ۳۷۴ دانشجو برآورد شد.

بر اساس این، دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی (جامعه آماری پژوهش) به‌طور متناسب و بر حسب مقطع تحصیلی، به سه طبقه (کارشناسی، ارشد و دکتری) تقسیم شدند؛ سپس نسبت هر طبقه در جامعه آماری کل محاسبه شد که این نسبت حدود ۲/۸ درصد به دست آمد. در نهایت، ۲/۸ درصد

مراقبت می‌کند، جزء چهار خرده‌نظامی است که نگرش افراد و به تبع آن کنش اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر، ارزش‌های مذهبی به مثابه نظامی ارزشی، راه‌های خاص و نحوه نگرش را در موقعیت‌های ویژه به شخص نشان می‌دهند (وثوقی و دائمی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). زندگی، الگوها و باورهای خانوادگی در مواردی چون باور و اعتقاد به الگوی تربیت فرزند، شیوه خواستگاری، سن مطلوب ازدواج و ... معنا پیدا می‌کنند. میزان عمل به هر یک از موارد ذکرشده به نوع نگرش افراد بستگی دارد. بر اساس نظریه کارکردی پارسونز، دین و ارزش‌های دینی، کارکرد نشان‌دادن راه‌ها و نگرش‌های خاص در موقعیت‌های گوناگون را بر عهده دارند که ازدواج و تشکیل خانواده هم جزئی از آن است. اساساً یکی از حمایت‌های دین از خانواده به‌خصوص در اسلام، توصیه و تشویق افراد به ازدواج و تشکیل خانواده است.

فرضیه‌های پژوهش

بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی با نگرش نسبت به ازدواج، رابطه وجود دارد.

بین میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی با نگرش نسبت به ازدواج، رابطه وجود دارد.

بین میزان دین‌داری با نگرش نسبت به ازدواج، رابطه وجود دارد.

بین میزان محاسبه هزینه-فایده برای ازدواج با نگرش به ازدواج، رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

در این پژوهش، عوامل مؤثر در نگرش به ازدواج در دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۳-۹۴ بررسی شده است. روش اجرای پژوهش، پیمایشی و از نوع تحقیق توصیفی و به‌لحاظ معیار زمان، مطالعه مقطعی و به‌لحاظ معیار ژرفایی از نوع پهنانگر^۱ است.

پیمایش یکی از انواع روش‌های تحقیق میدانی است که امکان

^۱ Extensive Study

از هر طبقه کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری برای نمونه آماری تعیین شدند که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده‌اند. برای انتخاب این تعداد از نمونه در درون طبقات از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

جدول ۱- جامعه و نمونه آماری

نمونه آماری				جامعه آماری			
دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی	تعداد کل دانشجویان	دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی	تعداد کل دانشجویان
۴۲	۱۱۰	۲۲۲	۳۷۴	۱۴۵۴	۳۸۵۹	۷۸۶۸	۱۳۱۸۱

روسن، ۱۹۹۸ به نقل از نیازی و همکاران، ۱۳۹۴). در این پژوهش با توجه به تحول روند ازدواج و تشکیل خانواده، نگرش به دو بعد مدرن و سنتی تقسیم شده است.

نگرش سنتی: این نوع نگرش به طرز تفکر، شناخت و رفتار در حوزه ازدواج اشاره می‌کند که در آداب و رسوم و عقاید سنتی ریشه دارد (تمایزات جنسیتی، وجود باورهای دینی، پایبندی به آداب و رسوم ازدواج، اهمیت فرزندآوری و...).

نگرش مدرن: نگرش مدرن به طرز تفکر و شناخت ناشی از مدرنیسم و سایر تحولات در عصر حاضر (برابری جنسیتی، فردگرایی، غلبه الگوهای جدید همسرگزینی، اهمیت عشق و عاطفه در زندگی، ضعف باورهای مذهبی و...) در حوزه ازدواج اشاره دارد.

تعریف عملیاتی

متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی از ترکیب سه بعد میزان تحصیلات (پدر و مادر)، میزان درآمد (پدر و مادر) و منزلت شغلی (پدر و مادر) حاصل شده است. نمره منزلت شغلی پدر و مادر پاسخگویان بر اساس پژوهش کاظمی‌پور (۱۳۷۸) در نظر گرفته شده است.

برای سنجش میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی در زنان، از یک مقیاس ۱۴ گویه‌ای در قالب طیف لیکرت استفاده شد. عملیاتی کردن این متغیر برگرفته از پژوهش‌های پیشین از قبیل حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) و ریاحی (۱۳۸۶) است. گویه‌های پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی عبارتند از:

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

نگرش به ازدواج

تعریف مفهومی

نگرش: مفهوم نگرش در روان‌شناسی اجتماعی عبارت از آمادگی به نسبت ثابت در برابر یک موضوع اجتماعی (مانند نهاد، فرد، گروه و اندیشه) است که سبب رفتارها و ایده‌های مثبت یا منفی (گرایش داشتن یا نداشتن، علاقه‌مندی یا نفرت) خاص می‌شود. نگرش‌ها به‌طور مستقیم مشاهده‌پذیر نیستند؛ ولی در تعیین رفتارها، ایده‌ها و بازسازی فرد و ادراک او نسبت به موضوع‌های اجتماعی نقش دارند. نگرش به معنای طرز تلقی، وجهه نظر، طرز فکر، رویه و تمایل به بازخورد است (آپورت و دیگران، ۱۳۷۱ به نقل کریمی، ۱۳۹۰: ۸).

-ازدواج: ازدواج عملی است که پیوند دو جنس مخالف را بر اساس روابط پایای جنسی موجب می‌شود؛ بنابراین رابطه دو فرد از یک جنس خواه به‌طور موقت و خواه دائم، ازدواج خوانده نمی‌شود. همچنین در تعریف ازدواج، روابط جسمانی دو انسان از دو جنس مخالف به‌خودی‌خود کافی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا ازدواج مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که مشروعیت روابط جسمانی را موجب شود؛ به بیان دیگر، در راه تحقق ازدواج، جامعه نیز باید آن را تصویب کند (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۲۶).

نگرش به ازدواج: ادراک، وجه نظر و شناخت نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده که سبب رفتارها و ایده‌های متفاوت (منفی، مثبت، مدرن، سنتی) در این زمینه می‌شود (براتین و

¹ Brateen & rosen

«کارها و امور مهم جامعه بر عهده مردان است»، «ناتوانی زنان در مشاغل فکری نسبت به مردان»، «کارهای نیازمند قدرت جسمی را مردان انجام می‌دهند»، «زنان مانند مردها باید بتوانند قاضی دادگاه شوند»، «توانایی زنان تنها در مشاغلی نظیر معلمی و پرستاری است»، «انجام فعالیت‌های خانه‌داری، وظیفه زنان است»، «تأثیر منفی اشتغال زنان در روابط و استحکام خانواده»، «اولویت داشتن مردان به زنان در اشتغال»، «مطیع و تابع بودن زن در زندگی شخصی»، «نقش داشتن زنان در مشاغل سیاسی و حکومتی»، «توانایی فعالیت زنان در جامعه همدوش مردان»، «موفق تربودن مردان نسبت به زنان در امور مدیریتی»، «مستقل و متکی بودن زنان» و «احساسی و

وابسته بودن زنان به دیگران».

در تدوین تعریف عملیاتی دین‌داری در این پژوهش تا حدودی از مدل گلاک و استارک به دلیل سنخیت نسبی آن با ابعاد دین‌داری در اسلام و تناسب کارکردی آن استفاده شده است که علمای طراز اول معاصر جهان اسلام تأیید کرده‌اند (ربانی و طاهری، ۱۳۸۸: ۱۰۵) و چند گویه نیز با توجه به مسأله پژوهش طرح شد. ابعاد دین‌داری که در این پژوهش بررسی شده‌اند، شامل ابعاد اعتقادی-مناسکی-پیامدی-تجربی است. تمامی گویه‌های مربوط به ابعاد متفاوت دین‌داری به صورت طیف لیکرت و در ۱۴ پرسش تنظیم شده است. تعریف عملیاتی این متغیر در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- تعریف عملیاتی متغیر دین‌داری

متغیر	ابعاد	گویه
دین‌داری	اعتقادی	ایمان به وجود خدا
		رسیدگی به اعمال انسان‌ها در قیامت
	مناسکی	خواندن نمازهای یومیه
		گرفتن روزه در ماه رمضان
	پیامدی	سخت‌گیری در خرید و فروش مشروبات الکلی
		حضور زنان در مسابقات ورزشی برای تماشا
	عاطفی و تجربی	اهمیت‌ندادن به مذهبی بودن یا نبودن رهبران سیاسی
		پیامدهای ناشی از حضور زنان در جامعه و معاشرت با نامحرم
		نگرش فرد به مذهب در امر ازدواج
		تأثیرپذیری نگرش‌های زندگی از اعتقادات دینی
		احساس پوچی و بی‌هدفی بدون اعتقادات دینی
		رعایت حجاب
		رعایت حلال و حرام شرعی
		داشتن صداقت در ارتباط با دیگران

در پژوهش حاضر برای بررسی هزینه فرصت از هشت پرسش در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. پرسش‌ها بر اساس پژوهش‌های پیشین انتخاب شده‌اند. گویه‌های سنجش هزینه فرصت عبارتند از:

«کسب فرصت‌های شغلی با بالارفتن سطح تحصیلات و تأخیر در ازدواج»، «محرومیت از کسب سرمایه‌های آینده بر اثر

ازدواج‌های زودهنگام»، «کاهش استقلال و آزادی دختران در اثر ازدواج»، «مطلوبیت مجرد بودن نسبت به متأهل بودن»، «حل بحران‌ها و اضطراب‌ها در فرد بر اثر ازدواج»، «مصون ماندن فرد از گناه و انحراف بر اثر ازدواج»، «کسب شأن اجتماعی و اخلاقی به واسطه ازدواج» و «کاهش اعتماد به نفس-ناامیدی و... در اثر تأخیر در ازدواج».

جنسیتی، نحوه همسرگزینی، اعتقادات و باورهای مذهبی، فردگرایی، نقش خانواده در همسرگزینی، فرزند آوری و... طرح شد. از مجموع ۲۶ گویه، ۱۳ گویه مربوط به نگرش سنتی و ۱۳ گویه به نگرش مدرن مربوط است.

برای سنجش مفهوم نگرش به ازدواج (سنتی و مدرن) ۲۶ گویه در غالب طیف لیکرت، با اقتباس از پژوهش‌های پیشین از قبیل دلخمش (۱۳۸۶)، عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸)، کاظمی‌پور (۱۳۸۸) و احمدی و همکاران (۱۳۹۰) بر اساس مؤلفه‌هایی چون تفکیک و تمایزهای جنسیتی، برابری

جدول ۳- تعریف عملیاتی نگرش به ازدواج

مفهوم	ابعاد	گویه	شماره پرسش
سنجش نگرش به ازدواج	سنجش	ازدواج؛ تعهدی مادام‌العمر	۱
		نقش مرد به‌عنوان سرپرست و رهبر خانواده	۲
		خودداری از روابط پیش از ازدواج با توجه به تأثیر منفی آن	۵
		تبعیت از والدین در امر ازدواج	۶
		ترجیح ازدواج با همشهری و خویشاوند	۷
		حفظ زندگی زناشویی به هر شکل ممکن	۱۰
		پای‌بندی به آداب و رسوم ازدواج	۱۵
		اهمیت فرزندآوری	۱۶
		قانع‌بودن به شرایط زندگی در هر صورت	۱۷
		ازدواج‌نکردن؛ مانعی برای پیشرفت	۱۹
		اهمیت حاکم‌بودن اعتقادات مذهبی در زندگی	۲۲
		ترجیح نظر والدین بر عشق و علاقه فردی	۲۳
سنجش نگرش به ازدواج	مدرن	اهمیت قراردادن زندگی بر پایه ایمان و ارزش‌های دینی	۲۶
		برابری زن و مرد در تمام امور زندگی زناشویی	۳
		اعتقاد به ثروت؛ یکی از مهم‌ترین عوامل خوشبختی	۴
		برابری زن و مرد برای ادامه تحصیل و شغل	۸
		اعتقاد به همخانگی‌های قبل از ازدواج	۹
		ازدواج در سنین بالا	۱۱
		اعتقاد به‌ضرورت دوستی‌های قبل از ازدواج برای شناخت دختر و پسر	۱۲
		ازدواج بر اساس خواسته‌ها و علایق خود فرد	۱۳
		وجود طلاق به‌صورت امری محتمل در زندگی	۱۴
		تمایل زنان به عهده‌داری وظایف و تصمیم‌گیری نهایی	۱۸
		اهمیت عشق به‌صورت مهم‌ترین اصل زندگی	۲۰
		وجود روابط پس از ازدواج با جنس مخالف	۲۱
		اولویت تحصیل و شغل برای دختر در جامعه امروز	۲۴
ازدواج، مانعی برای پیشرفت زن	۲۵		

روایی^۱ و پایایی^۲ پژوهش

استادان، کارشناسان و محققان متخصص حوزه علوم اجتماعی مطرح و پس از بازخورد و اعمال نظرات آن‌ها در پرسشنامه، قابلیت اعتبار پرسشنامه سنجیده شد. همچنین برای سنجش میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری (دال بر تکرارپذیری و تعمیم‌پذیری پرسشنامه) از روش آلفای کرونباخ

در این پژوهش، سنجش میزان روایی ابزار اندازه‌گیری با روش اعتبار محتوا (اعتبار صوری) انجام شده است؛ یعنی در این روش، پرسشنامه پس از تدوین اولیه با چند نفر از

¹ Validity

² Reliability

متغیرهایی که در پیش‌آزمون، میزان آلفای مطلوبی داشتند، در آزمون، تغییری در گویه‌هایشان داده نشده است. هرچند میزان آلفای آن‌ها با افزایش تعداد پاسخگوها، افزایش یافته است.

استفاده شده است. بدین‌گونه که ابتدا ۴۵ پرسشنامه برای پیش‌آزمون در میان دانشجویان تکمیل و آلفای آن بررسی شد. در پیش‌آزمون، متغیرهایی که میزان آلفای آن‌ها کم بود، با کمی تغییرات در گویه‌ها دوباره از آن‌ها آلفا گرفته شد و دیگر

جدول ۴- ضریب آلفای کرونباخ متغیرها

مفهوم	نوع متغیر	پیش‌آزمون تعداد گویه	ضریب آلفا	آزمون تعداد گویه	ضریب آلفا
کلیشه‌های نقش جنسیتی	مستقل	۱۴	۰/۸۴	۱۴	۰/۸۹
میزان دینداری	مستقل	۱۴	۰/۹۰	۱۴	۰/۹۴
هزینه فرصت	مستقل	۸	۰/۶۸	۸	۰/۹۱
نگرش به ازدواج سنتی	وابسته	۱۳	۰/۸۶	۱۳	۰/۹۱
نگرش به ازدواج مدرن	وابسته	۱۳	۰/۷۱	۱۳	۰/۸۹

مدل عامل تأییدی

استاندارد به لحاظ علمی است. از سوی دیگر، مدل‌های عاملی، جزئی از مدل‌های معادله ساختاری هستند که در نقش مدل‌های اندازه‌گیری عمل می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۸۱). در پژوهش حاضر نیز علاوه بر بررسی میزان آلفای کرونباخ متغیرهای مدنظر، برای بررسی اعتبار ابزار و مقیاس‌های تعریف‌شده از مدل عامل تأییدی برای متغیر وابسته استفاده شده است.

پژوهشگران اجتماعی به مدل‌های عاملی، به‌ویژه در دو جهت توجه می‌کنند. از یکسو با استفاده از این نوع مدل‌ها و آزمون آن‌ها بر مبنای داده‌های تجربی، شواهدی برای ارزیابی اعتبار مقیاس‌های تعریف‌شده پژوهشگر می‌توان به دست آورد و بنابراین یکی از اهداف اصلی از کاربرد آن‌ها، ساخت مقیاس‌های

جدول ۵- نتایج مدل عامل تأییدی برای متغیر نگرش سنتی به ازدواج

متغیر آشکار	وزن رگرسونی استاندارد شده (بارعاملی)	انحراف استاندارد	سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵
Ez.s 1	۰/۷۳		
Ez.s 2	۰/۷۷	۰/۰۷	✓
Ez.s 3	۰/۷۷	۰/۰۷	✓
Ez.s 4	۰/۶۶	۰/۰۶	✓
Ez.s 5	۰/۴۰	۰/۰۶	✓
Ez.s 6	۰/۵۸	۰/۰۵	✓
Ez.s 7	۰/۵۳	۰/۰۵	✓
Ez.s 8	۰/۶۰	۰/۰۵	✓
Ez.s 9	۰/۵۸	۰/۰۶	✓
Ez.s 10	۰/۶۳	۰/۰۵	✓
Ez.s 11	۰/۸۷	۰/۰۵	✓
Ez.s 12	۰/۵۹	۰/۰۶	✓
Ez.s 13	۰/۸۴	۰/۰۵	✓

سنجش این شاخص، با توجه به مقادیر استاندارد برآورد شده برای پارامتر لامدا (بارعاملی) مقیاس «اهمیت حاکم بودن

جدول ۵ نتایج بررسی مدل عاملی تأییدی شاخص نگرش سنتی به ازدواج را نشان می‌دهد. از میان مقیاس‌های فرعی

فرعی «ترجیح ازدواج با همشهری و خویشاوند» با ضریب ۰/۴۰ همبستگی کمتری با نمرات شاخص مربوط دارد و به همین ترتیب، وزن کمتری را در تعریف این متغیر پنهان دارد.

اعتقادات مذهبی در زندگی» با ضریب ۰/۸۷ همبستگی بیشتری با نمرات شاخص میزان دینداری دارد؛ بنابراین وزن بیشتری در محاسبات مربوط به این متغیر پنهان دارد. درمقابل، مقیاس

جدول ۶- نتایج مدل عامل تأییدی برای متغیر نگرش مدرن به ازدواج

متغیر آشکار	وزن رگرسیونی استاندارد شده (بارعاملی)	انحراف استاندارد	سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵
Ez. m1	۰/۴۴		✓
Ez. m2	۰/۶۳	۰/۲۳	✓
Ez. m3	۰/۴۸	۰/۱۶	✓
Ez. m4	۰/۶۵	۰/۲۳	✓
Ez. m5	۰/۶۴	۰/۲۲	✓
Ez. m6	۰/۸۱	۰/۳۱	✓
Ez. m7	۰/۴۷	۰/۱۶	✓
Ez. m8	۰/۶۰	۰/۲۲	✓
Ez. m9	۰/۲۸	۰/۱۳	✓
Ez. m10	۰/۲۸	۰/۱۲	✓
Ez. m11	۰/۶۴	۰/۲۳	✓
Ez. m12	۰/۶۲	۰/۲۱	✓
Ez. m13	۰/۵۹	۰/۱۷	✓

یافته‌های توصیفی

متغیرهای زمینه‌ای

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب گروه‌های سنی نشان می‌دهد بیشترین تعداد پاسخگویان (۴۷/۳ درصد) به گروه سنی ۱۸-۲۲ سال تعلق دارد. همچنین کمترین تعداد پاسخگویان (۲/۱ درصد) در گروه سنی ۳۳ سال و بالاتر قرار دارند. دامنه تغییرات سن در نمونه آماری بین ۱۸-۳۶ سال و میانگین آن ۲۴ سال است.

توزیع تعداد و درصد پاسخگویان برحسب مقطع تحصیلی نشان می‌دهد ۵۲/۹ درصد پاسخگویان این پژوهش را دانشجویان مقطع تحصیلی کارشناسی، ۳۴/۸ درصد پاسخگویان دانشجویان مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و ۱۲/۳ درصد پاسخگویان را دانشجویان مقطع تحصیلی دکترا

جدول ۶ نتایج بررسی مدل عاملی تأییدی شاخص نگرش مدرن را به ازدواج نشان می‌دهد. از میان مقیاس‌های فرعی سنجش این شاخص، با توجه به مقادیر استاندارد برآورد شده برای پارامتر لامدا (بار عاملی) مقیاس «اعتقاد به ضرورت دوستی‌های قبل از ازدواج برای شناخت دختر و پسر» با ضریب ۰/۸۱ همبستگی بیشتری با نمرات شاخص میزان دینداری دارد؛ بنابراین وزن بیشتری در محاسبات مربوط به این متغیر پنهان دارد. درمقابل، مقیاس‌های فرعی «اهمیت عشق به عنوان مهم‌ترین اصل زندگی» و «تمایل به عهده‌داری وظایف و تصمیم‌گیری نهایی زن» هر دو با داشتن ضریب ۰/۲۸ همبستگی کمتری با نمرات شاخص مربوط دارد و به همین ترتیب، وزن کمتری را در تعریف این متغیر پنهان دارد.

تشکیل داده‌اند. چنانکه داده‌ها نشان می‌دهند بیشترین پاسخگویان این پژوهش، دانشجویان مقطع کارشناسی هستند. توزیع پاسخگویان برحسب محل زندگی نشان می‌دهد محل زندگی ۸۴/۸ درصد پاسخگویان، شهر و ۱۵/۲ درصد آن‌ها، روستا بوده است. چنانکه مشاهده می‌شود تعداد دانشجویانی که محل زندگی آن‌ها شهر بوده است بیشتر از دانشجویانی است که محل زندگی آن‌ها روستا است.

متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی از ترکیب سه بعد میزان تحصیلات (پدر و مادر)، میزان درآمد (پدر و مادر) و منزلت شغلی (پدر و مادر) حاصل شده است. داده‌ها نشان می‌دهند بیشترین تعداد پاسخگویان (۴۷/۳ درصد) وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایین دارند. کم‌ترین تعداد پاسخگویان (۲۲/۲ درصد) نیز وضعیت اقتصادی - اجتماعی بالا دارند. ضمن اینکه ۱۱۳ نفر (۳۰/۲ درصد) در پایگاه اقتصادی - اجتماعی متوسط قرار دارند.

توزیع فراوانی سن مناسب ازدواج بر اساس نظر پاسخگویان نشان می‌دهد سنین ۲۴-۲۱ و ۲۸-۲۵ به ترتیب با ۴۲/۲ و ۴۰/۶ درصد، مناسب‌ترین سنین برای ازدواج دختر از سوی پاسخگویان اعلام شده است. همچنین میانگین سن مناسب برای ازدواج دختر بر اساس نظر پاسخگویان ۲۴ سال بوده است.

توصیف متغیر وابسته: نگرش به ازدواج

متغیر نگرش به ازدواج شامل ۲۶ گویه است که ۱۳ گویه مربوط به ازدواج سنتی و ۱۳ گویه مربوط به ازدواج مدرن است که در این قسمت، فراوانی نوع نگرش پاسخگویان (سنتی و مدرن) توصیف شده است.

نگرش سنتی به ازدواج

جدول ۷- توزیع نظر پاسخگویان برحسب پرسش‌های نگرش سنتی به ازدواج

گویه	درصد فراوانی				
	کاملاً مخالف	مخالف	بینابین	موافق	کاملاً موافق
ازدواج: تعهدی مادام‌العمر	۶/۴	۱۷/۱	۸/۳	۱۶/۳	۵۱/۹
نقش مرد به‌عنوان سرپرست و رهبر خانواده	۷/۲	۱۷/۶	۹/۴	۲۴/۹	۴۰/۹
خودداری از روابط پیش از ازدواج با توجه به تأثیر منفی آن	۱۵/۲	۲۲/۲	۸/۶	۱۸/۷	۵۳/۳
تبعیت از والدین در امر ازدواج	۱۰/۴	۲۷/۵	۲۳/۳	۲۵/۹	۱۲/۸
ترجیح ازدواج با همشهری و خویشاوند	۹/۱۳	۲۶/۲	۷/۲۵	۲۳/۳	۱۱
حفظ زندگی زناشویی به هر شکل ممکن	۳/۷	۹/۴	۴/۱۸	۲۹/۹	۳۸/۵
پایبندی به آداب و رسوم ازدواج	۴/۵	۸	۲۵/۴	۴۰/۶	۲۱/۴
اهمیت فرزندآوری	۴/۵	۷/۲	۱۷/۶	۳۴/۵	۳۶/۱
قانع بودن به شرایط زندگی در هر صورت	۱۷/۱	۲۸/۱	۲۷/۵	۱۷/۵	۹/۴
نبودن ازدواج به‌عنوان مانعی برای پیشرفت	۰/۸	۸/۸	۲۷/۰	۲۸/۶	۳۴/۸
اهمیت حاکم‌بودن اعتقادات مذهبی در زندگی	۲/۹	۸/۳	۲۴/۱	۲۳/۳	۴۱/۴
ترجیح نظر والدین بر عشق و علاقه فردی	۲۵/۴	۲۷/۵	۲۶/۷	۱۳/۱	۷/۲
اهمیت قراردادن زندگی بر پایه ایمان و ارزش‌های دینی	۲/۹	۸/۳	۲۲/۵	۲۵/۷	۴۰/۶

بیشترین میزان موافقت (۵۱/۴ درصد) با میانگین (۳/۹۰) مربوط به گونه «ازدواج یک تعهد مادام‌العمر است و زن و مرد

جدول ۷ توزیع درصد پاسخگویان را بر اساس گویه‌های نگرش به ازدواج نشان می‌دهد. مطابق داده‌های این جدول،

مربوط به گویه «اولویتم در انتخاب همسر نظر والدینم است تا عشق و علاقه خودم» است.

نگرش مدرن به ازدواج

باید تا آخر عمر به یکدیگر وفادار بماند» است و پس از آن گویه «برای من مهم است که اعتقادات مذهبی در زندگی زناشویی ام حاکم باشد» با (۴/۱) درصد فراوانی و میانگین (۳/۹۳) بیشترین میزان موافقت را در برداشته است. همچنین بیشترین میزان مخالفت (۴/۲۵ درصد) با میانگین (۲/۴۹)

جدول ۸- توزیع نظر پاسخگویان برحسب پرسش‌های نگرش مدرن به ازدواج

گویه	درصد فراوانی					
	کاملاً مخالف	مخالف	بینابین	موافق	کاملاً موافق	درصد میانگین
برابری زن و مرد در تمام امور زندگی زناشویی	۰/۸	۵/۹	۱۵/۵	۲۸/۶	۴۹/۲	۴/۱۹
اعتقاد به ثروت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل خوشبختی	۷/۵	۲۴/۱	۲۵/۷	۲۳/۰	۱۹/۸	۳/۲۳
برابری زن و مرد برای ادامه تحصیل و شغل	۰/۸	۷/۸	۱۵/۲	۳۰/۲	۴۶/۰	۴/۱۲
اعتقاد به هم‌خانگی‌های قبل از ازدواج	۴۹/۷	۲۰/۶	۱۵/۸	۱۰/۸	۳/۵	۱/۹۷
ازدواج در سنین بالا	۱۱/۲	۲۹/۷	۲۵/۷	۲۳/۰	۱۰/۴	۲/۹۱
اعتقاد به ضرورت دوستی‌های قبل از ازدواج برای شناخت	۲۴/۶	۲۰/۳	۱۸/۲	۲۱/۱	۱۵/۸	۲/۸۳
ازدواج بر اساس خواسته‌ها و علائق خود فرد	۱/۳	۴/۸	۱۹/۸	۳۱/۶	۴۲/۵	۴/۰۹
وجود طلاق به‌عنوان امری محتمل در زندگی	۱۲/۳	۲۴/۹	۲۴/۶	۲۹/۷	۸/۶	۲/۹۷
تمایل زن به عهده‌داری وظایف و تصمیم‌گیری نهایی	۲/۷	۱۸/۲	۳۸/۵	۳۱/۰	۹/۶	۳/۲۶
اهمیت عشق به‌عنوان مهم‌ترین اصل زندگی	۰/۵	۲/۹	۱۲/۰	۳۵/۰	۴۹/۵	۴/۲۹
وجود روابط پس از ازدواج با جنس مخالف	۵۲/۱	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۰/۷	۴/۰	۱/۹۷
اولویت تحصیل و شغل برای دختر در جامعه امروز	۱۲/۳	۲۹/۹	۲۷/۰	۲۴/۹	۵/۹	۲/۸۲
ازدواج، مانعی برای پیشرفت زن	۳۶/۹	۳۸/۰	۱۸/۷	۵/۳	۱/۱	۱/۹۵

فراوانی
میانگین

موافقت را در برداشته است. همچنین بیشترین میزان مخالفت (۵۲/۱ درصد) با میانگین (۱/۹۷) به گویه «افراد پس از ازدواج نیز روابط خود را با جنس مخالف می‌توانند حفظ کنند؛ زیرا ازدواج و دوستی دو مسأله کاملاً جدا هستند» مربوط است.

توزیع پاسخگویان بر اساس نوع نگرش به ازدواج

با توجه به جدول ۸ که نشان‌دهنده توزیع درصد پاسخگویان بر اساس گویه‌های نگرش به ازدواج است، بیشترین میزان موافقت (۴۹/۵ درصد) با میانگین (۴/۲۹) مربوط به گویه «عشق مهم‌ترین اصل است و من معتقدم عشق برای زندگی زناشویی ضروری است.» است و پس از آن گویه «زن و شوهر باید در تمام امور زندگی زناشویی برابر باشند» با (۴۹/۲) درصد فراوانی و میانگین (۴/۱۹) بیشترین میزان

جدول ۹- توزیع پاسخگویان بر اساس نوع نگرش به ازدواج

نوع نگرش به ازدواج	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
سنتی	۱۷۲	۴۵/۹	۴۵/۹
بینابین	۱۰۷	۲۸/۶	۷۴/۵
مدرن	۹۵	۲۵/۵	۱۰۰
مجموع	۳۷۴	۱۰۰	

(۴۵/۹ درصد) نگرشی سنتی به ازدواج داشته‌اند.

بخش دوم: یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و نوع نگرش به ازدواج، رابطه وجود دارد.

چنانچه اشاره شد، متغیر نگرش به ازدواج در این پژوهش با ۲۶ گویه مذکور سنجیده شده است. جدول ۹ حاصل جمع نمرات گویه‌های مذکور و سپس تنظیم آن‌ها در سه سطح کم، متوسط و زیاد است. در مجموع، یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهند نگرش سنتی به ازدواج، بیشترین فراوانی (۱۷۲) و نگرش مدرن به ازدواج کم‌ترین فراوانی (۹۵) را در میان پاسخگویان دارد؛ به عبارتی، بیشتر دانشجویان نمونه مدنظر

جدول ۱۰- نتایج آزمون رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی با نوع نگرش به ازدواج

متغیر	پایگاه اقتصادی - اجتماعی				
	تعداد	ابعاد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری	جهت رابطه
نوع نگرش به ازدواج	۳۷۴	سنتی	-۰/۲۱	۰/۰۰	معکوس
		مدرن	۰/۱۹	۰/۰۰	مثبت

با افزایش پایگاه اقتصادی-اجتماعی، نگرش افراد مدرن‌تر و با کاهش پایگاه اقتصادی-اجتماعی، نگرش افراد سنتی‌تر می‌شود. فرضیه ۲- بین میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی با نوع نگرش نسبت به ازدواج، رابطه وجود دارد.

بر اساس داده‌های جدول ۱۰ مشاهده می‌شود بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد با نوع نگرش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه درباره نگرش سنتی به ازدواج معکوس و درباره نگرش سنتی به ازدواج معکوس است؛ یعنی

جدول ۱۱- نتایج آزمون رابطه میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی با نوع نگرش ازدواج

متغیر	میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی				
	تعداد	ابعاد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری	جهت رابطه
نوع نگرش به ازدواج	۳۷۴	سنتی	۰/۵۰	۰/۰۰۰	مستقیم
					تأیید شدن یا نشدن

نگرش افراد، سنتی تر و با کاهش میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی نگرش افراد، مدرن تر است. فرضیه ۳- بین میزان دین‌داری با نوع نگرش نسبت به ازدواج، رابطه وجود دارد.

داده‌های جدول ۱۱ نشان می‌دهند بین میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی با نوع نگرش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه درباره نگرش سنتی به ازدواج، مثبت و درباره نگرش مدرن به ازدواج، معکوس است؛ یعنی با افزایش میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی،

جدول ۱۲- نتایج آزمون رابطه میزان دینداری بانوع نگرش ازدواج

متغیر	دینداری		ابعاد	سطح معنی‌داری
	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون		
نوع نگرش به ازدواج	۳۷۴	۰/۸۷	سنتی	۰/۰۰۰
		-۰/۸۰	مدرن	۰/۰۰۰

دینداری، نگرش افراد، سنتی تر و با کاهش میزان دینداری نگرش افراد، مدرن تر است. فرضیه ۴- بین میزان محاسبه هزینه فرصت برای ازدواج با نوع نگرش نسبت به ازدواج، رابطه وجود دارد.

همان‌گونه که داده‌های جدول ۱۲ نشان می‌دهند بین میزان دینداری با نوع نگرش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه درباره نگرش سنتی به ازدواج، مثبت و درباره نگرش مدرن به ازدواج، معکوس است؛ یعنی با افزایش میزان

جدول ۱۳- نتایج آزمون رابطه اعتقاد به هزینه فرصت با نوع نگرش ازدواج

متغیر	هزینه فرصت		ابعاد	سطح معنی‌داری
	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون		
نوع نگرش به ازدواج	۳۷۴	-۰/۸۱	سنتی	۰/۰۰۰
		۰/۸۰	مدرن	۰/۰۰۰

همبستگی میان اعتقاد به هزینه فرصت و نگرش مدرن، نشان‌دهنده رابطه مستقیم این دو متغیر هستند؛ یعنی با افزایش اعتقاد به هزینه فرصت، نگرش افراد نیز به ازدواج، مدرن تر می‌شود.

جدول ۱۳ نتایج آزمون همبستگی اعتقاد به هزینه فرصت ازدواج را با نوع نگرش به ازدواج نشان می‌دهد. ضریب همبستگی (-۰/۸۱) نشان می‌دهد رابطه اعتقاد به هزینه فرصت با نگرش سنتی به ازدواج، معکوس است که این رابطه به لحاظ آماری معنادار است؛ یعنی با افزایش اعتقاد به هزینه فرصت، نگرش سنتی به ازدواج در افراد، کمتر می‌شود؛ به عبارتی، نگرش افراد، مدرن تر می‌شود. همچنین نتایج

تحلیل رگرسیونی متغیرهای پیش‌بینی‌کننده نگرش به ازدواج

در این پژوهش از رگرسیون چندمتغیره و به روش گام به گام تبیین‌کننده متغیر وابسته باشند. برای تعیین متغیرهایی بهره گرفته شده است که بهتر می‌توانند

جدول ۱۴- ضرایب رگرسیونی مدل تبیین‌کننده نگرش سنتی به ازدواج

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون غیراستاندارد (B)	ضریب رگرسیون استاندارد (Beta)	مقدار T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۳۰/۳۵	-	۷/۶۰	۰/۰۰
دینداری	۰/۵۹	۰/۶۳	۱۵/۰۴	۰/۰۰
هزینه فرصت	-۰/۳۶	-۰/۲۶	-۶/۱۶	۰/۰۰
سن مناسب ازدواج	-۰/۲۸	-۰/۰۶	-۲/۵۴	۰/۰۰

ازدواج دارد. در مرتبه دوم تأثیرگذاری، متغیر هزینه فرصت قرار دارد. متغیر سن مناسب ازدواج نیز در مرتبه بعدی تأثیرگذاری در نگرش سنتی به ازدواج قرار دارد. به‌طور کلی میزان تأثیر متغیرهای مستقل در متغیر وابسته از بیشترین مقدار بتا به کمترین مقدار به این صورت است که میزان دینداری (۰/۶۳)، هزینه فرصت (-۰/۲۶) و سن مناسب ازدواج (-۰/۰۶) بیشترین مقدار تأثیر را در متغیر نگرش به ازدواج داشته‌اند.

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهند میزان F این مدل $۳۵۷/۰۵$ و میزان معناداری آن برابر $۰/۰۰۰$ بوده و نشان‌دهنده معناداری کل مدل است. به‌علاوه، همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل و زمینه‌ای مدنظر در پژوهش حاضر با نگرش سنتی به ازدواج $۰/۸۹۱$ بوده است. ضریب تعیین مدل نیز نشان می‌دهد $۷۹۵/۷$ درصد از تغییرات در متغیر نگرش سنتی به ازدواج با متغیرهای مدنظر تبیین‌شدنی است. با مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد (Beta) مشخص می‌شود بیشترین تأثیر را متغیر دینداری در متغیر نگرش به

جدول ۱۵- ضرایب رگرسیونی مدل تبیین‌کننده نگرش به ازدواج مدرن

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون غیراستاندارد (B)	ضریب رگرسیون استاندارد (Beta)	مقدار T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۳۸/۹۶	-	۹/۶۳	۰/۰۰
هزینه فرصت	۰/۴۴	۰/۴۰	۷/۹۵	۰/۰۰
دینداری	-۰/۲۴	-۰/۳۳	-۶/۲۴	۰/۰۰
کلیشه‌ها	-۰/۵۸	-۰/۰۷	-۲/۱۳	۰/۰۱
سن مناسب ازدواج	۰/۲۱	۰/۰۶	۲/۱۰	۰/۰۳

چندگانه متغیرهای مستقل و زمینه‌ای مدنظر در پژوهش حاضر با نگرش مدرن به ازدواج $۰/۸۵۴$ بوده است. ضریب تعیین مدل نیز نشان می‌دهد $۷۳۰/۷$ درصد از تغییرات در متغیر نگرش

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهند میزان F این مدل $۱۶۵/۱۱$ و میزان معناداری آن برابر $۰/۰۰۰$ بوده و نشان‌دهنده معناداری کل مدل است. به‌علاوه، همبستگی

مدرن به ازدواج با متغیرهای مدنظر تبیین شدنی است. با مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد (Beta) مشخص می‌شود بیشترین تأثیر را متغیر هزینه فرصت در متغیر نگرش مدرن به ازدواج دارد. در مرتبه دوم، تأثیرگذاری متغیر دینداری قرار دارد.

به‌طور کلی میزان تأثیر متغیرهای مستقل در متغیر وابسته از بیشترین مقدار بتا به کمترین مقدار به این صورت است که اعتقاد به هزینه فرصت (۰/۴۰)، میزان دینداری (-۰/۳۳)، کلیشه‌ها (-۰/۰۶) و سن مناسب ازدواج (۰/۰۶) مقدار تأثیر را در متغیر نگرش به ازدواج داشته‌اند.

نتیجه

پژوهش حاضر برای بررسی نگرش دختران دانشجویان به ازدواج و عوامل مؤثر در آن انجام شده است. روند رو به افزایش مسائلی چون روابط دوستی دختر و پسرها، همخانگی‌های قبل از ازدواج، وجود روابط پس از ازدواج در میان جوانان و در پی آن به تأخیرافتادن زمان ازدواج جوانان و گسترش شکلی از ازدواج به نام ازدواج سفید در جامعه ایران، که شکل کاملاً غیررسمی ازدواج و نیز زاییده فرهنگ غرب است، انگیزه‌ای شد تا پژوهشگران، موضوع ازدواج و نگرش به ازدواج را به‌صورت یک آسیب اجتماعی و معضل بزرگ پیش روی جوانان در جامعه امروز بررسی کنند. در این پژوهش سعی شده است تأثیر متغیرهای مختلف نظیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، کلیشه‌های نقش جنسیتی، محاسبه هزینه فرصت و دینداری در نگرش به ازدواج بررسی شود. مقایسه نتایج به‌دست‌آمده در این بررسی با نظریه‌های مختلف و نیز با سایر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، اطلاعات دقیق‌تری را فراهم می‌کند.

یافته‌های پژوهش درباره رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی با نگرش به ازدواج نشان دادند رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی با نوع نگرش به ازدواج به‌لحاظ آماری معنادار بوده است که این رابطه با نگرش سنتی به‌صورت معکوس و در ارتباط با

نگرش مدرن، مثبت بوده است؛ یعنی افرادی که در پایگاه اقتصادی بالاتری قرار داشتند، نگرش مدرن‌تری به ازدواج داشتند. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج آزاد ارمکی (۱۳۷۹) نیز مطابقت می‌کنند. هرچند این پژوهش به‌طور مستقیم، پایگاه اقتصادی و نوع ازدواج را بررسی نکرده است؛ نتایج نشان می‌دهند هرچه پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد بالاتر می‌رود، درصد رفت و آمدهای آزاد و بدون شرط اغلب دخترها و پسرها قبل از عقد بیشتر می‌شود و این خود به‌نوعی تأییدکننده نتایج این پژوهش است. همچنین استون (۱۹۷۹) درباره افزایش آغازین ازدواج‌های رابطه‌ای/معاشرتی، که شکل نوین و مدرن ازدواج به‌حساب می‌آید، معتقد است این نوع ازدواج بیشتر در میان طبقات بالا و متوسط جامعه دیده می‌شود. همچنین در تحقیقات پورافکاری (۱۳۹۱) و حسینی و گراوند (۱۳۹۲) نیز پایگاه اقتصادی-اجتماعی، یکی از متغیرهای مرتبط با ازدواج و نگرش به ازدواج یاد شده است.

همچنین نتایج پژوهش نشان دادند بین میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی دانشجویان با نگرش آن‌ها به ازدواج، رابطه معنی‌دار وجود دارد. به نظر می‌رسد پذیرش کلیشه‌های جنسیتی افراد و شکل‌گیری نگرش شخصیتی در آن‌ها، موجب می‌شود افراد با اتخاذ نگرش و موضعی خاص، احساس، ادراک و ارزیابی متفاوتی از پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی داشته باشند و بالطبع رفتارهای متفاوت و متمایزی در قبال آن‌ها انجام دهند. ازجمله این پدیده‌ها، ازدواج و نگرش به ازدواج است. امروزه با توجه به توسعه شهرنشینی، مدرنیزاسیون و شکل‌گیری جنبش‌های متفاوت فمینیستی درباره حقوق زنان، برابری جنسیتی و...، زنان به‌خصوص دختران جوان و تحصیل‌کرده، دیگر همچون گذشته تسلیم کلیشه‌های جنسیتی نیستند که خود را به انجام وظایف خاصی مانند خانه‌داری، شوهرداری، فرزندداری و... محدود کنند؛ بلکه امروزه زنان نیز همچون مردان به دنبال حضور در جامعه و کسب امتیازهای اجتماعی برای خودشکوفایی هستند. نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش با نتایج مطالعات نجیمی

داده‌اند (زین‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۶۳). موحد و عباسی شوازی (۱۳۸۵) نیز بیشتر روابط پیش از ازدواج دختر و پسر را بررسی کرده‌اند و این روابط را دیدگاه مدرن در مقابل دیدگاه سنتی دانسته‌اند. نتایج نشان داده‌اند دانشجویانی که کمتر به ارزش‌های دینی پای‌بند هستند، دیدگاه مدرن‌تری دارند و نگرششان به روابط پیش از ازدواج، مثبت‌تر بوده است. نتایج پژوهش حاضر همچنین با پژوهش‌های پورافکاری (۱۳۹۱) و گوبرنسکایا (۲۰۰۸) همسو هستند.

همچنین نتایج نشان دادند به‌لحاظ آماری، رابطه میزان محاسبه هزینه فرصت با نگرش به ازدواج، معنادار است. با توجه به اینکه از جمله ویژگی‌های ازدواج مدرن و نگرش مدرن، تأخیر در ازدواج و افزایش سن ازدواج است، گفتنی است نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش حبیب‌پور گنابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارند. گوبرنسکایا (۲۰۰۸) در پژوهشی بیان کرد دختران با تحصیلات بالاتر و شاغل، نگرش مدرن‌تری نسبت به ازدواج داشته‌اند که این نیز خود بر محاسبه هزینه فرصت توسط دختران و اهمیت و به‌نوعی اولویت تحصیلات و اشتغال بر ازدواج در دختران اشاره می‌کند. همچنین به نظر می‌رسد با توجه به تبلیغات گسترده و منفی جوامع غربی درباره ازدواج و تشکیل خانواده و کم‌رنگ کردن ارزش‌ها و دستاوردهای حاصل از ازدواج برای جوانان و درمقابل پررنگ کردن سایر ارزش‌ها چون آزادی، مدگرایی و ... هزینه‌های ناشی از ازدواج از قبیل افزایش محدودیت‌ها، مسئولیت‌ها، پیشرفت نکردن و ... نسبت به فرصت‌ها و فواید آن همچون، رشد و تکامل معنوی، آرامش، مصونیت از گناه و خطا و ... در نظر جوانان بیشتر جلوه می‌کند که این خود باعث کاهش ازدواج و یا روی آوردن به ازدواج‌هایی بدون تعهد و مسئولیت از سوی جوانان می‌شود.

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نگرش سنتی به ازدواج نشان دادند میزان F این مدل، ۳۵۷/۰۵ و میزان معناداری آن برابر ۰/۰۰۰ بوده و نشان‌دهنده معناداری کل مدل است. با مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد (Beta) نیز مشخص شد

گشتاسب (۱۳۹۰)، که رابطه نقش‌های جنسیتی را با متغیر نگرش به ازدواج (منفی، مثبت) بررسی کرده است، همخوانی ندارند؛ یعنی در این پژوهش، تفاوت معناداری میان دختران با دو نوع طرحواره جنسیتی زنانه و مردانه با نوع نگرش به ازدواج وجود نداشته که خلاف این نتیجه درباره نگرش مدرن و سنتی به ازدواج در پژوهش حاضر مشاهده شده است. همچنین پژوهش‌هایی چون تحلیل ثانویه اطلاعات و داده‌های دو پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، رابطه معناداری را بین پذیرش کلیشه‌های جنسیتی با الگوها و هنجارهای خانوادگی ایرانیان از جمله (ازدواج) نشان داده است (زین‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

یکی دیگر از نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش نشان داد بین میزان دینداری افراد با نوع نگرش آن‌ها به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد. ارزش‌های مذهبی دینی به مثابه نظامی ارزشی، راه‌های خاص و نحوه نگرش را در موقعیت‌های ویژه به شخص نشان می‌دهند. زندگی، الگوها و باورهای خانوادگی در مواردی چون باور و اعتقاد به الگوی تربیت فرزند، شیوه خواستگاری، سن مطلوب ازدواج و ... معنا پیدا می‌کنند. نتایج پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون تأثیر دین‌داری در نگرش به ازدواج نشان می‌دهند دین‌داری افراد بر نگرش آن‌ها به خصوص در امر ازدواج تأثیرگذار بوده است. پورافکاری و همکاران (۱۳۹۲) نیز در نتایج پژوهش خود نشان داده‌اند میان عقاید مذهبی افراد و نگرش آن‌ها به ازدواج، رابطه معنادار وجود دارد. گوبرنسکایا (۲۰۰۸) معتقد است افراد کم‌تر مذهبی، دیدگاه سنتی کم‌تری نسبت به ازدواج دارند. به نظر گوبرنسکایا با ایده نهادینه‌شدن ازدواج و نظریه گذار جمعیتی دوم افکار عمومی دورشدن از هنجارهای سنتی ازدواج و باروری است. همچنین باید گفت تعدادی از پژوهش‌ها، ازدواج را به‌صورت کلی و نه به‌صورت نگرش‌های تفکیک‌شده بررسی کرده‌اند. نتایج تحلیل ثانویه اطلاعات و داده‌های دو پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، رابطه مثبت نگرش مذهبی را با الگوها و هنجارهای خانوادگی ایرانیان از جمله (ازدواج) نشان

مدرن به ازدواج) متغیر هزینه فرصت است که مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن ۰/۵۰۷ است.

بر اساس نظریه‌های هزینه فرصت (مبادله، انتخاب عقلانی، فمینیستی - مارکسیستی) گفتنی است انتخاب‌گر و تصمیم‌گیرنده پیش از آنکه تصمیم بگیرند، در ذهن خود فرصت‌هایی را ارزیابی می‌کنند که با این تصمیم از دست می‌دهند؛ بنابراین، این ارزیابی ذهنی و محاسبه هزینه فرصت بر تصمیم‌گیری فرد، مقدم و به‌نوعی تعیین‌کننده نوع نگاه و نگرش فرد به امور مختلف از جمله ازدواج است. بر اساس نظریه‌های مذکور، جوانان برای کسب موقعیت‌های اجتماعی بالاتر سعی می‌کنند ازدواج خود را به تأخیر بیندارند. بر اساس نظریه مبادله، تصمیم‌گیری به ازدواج، نوعی تصمیم‌گیری به سرمایه‌گذاری است و شخص، ارزیابی عقلانی از هزینه‌ها و منافع حاصل از ازدواج را در نظر می‌گیرد. امروزه تحصیلات، تلاش برای کسب شغل، استقلال مالی، اهمیت خودشکوفایی و کسب موقعیت‌های بهتر در دختران و زنان، منفعت حاصل از ازدواج را برای آنان کاهش داده و تمایل به ازدواج زودتر را در زنان کم کرده است؛ زیرا امروزه دختران مانند گذشته به حضور در خانه به‌شکل سنتی و بستری برای شکوفایی و ترقی سایر اعضای خانواده خصوصاً همسر بودن و نیز محدود شدن به انجام وظایف بدون مزد خانه‌داری اکتفا نمی‌کنند و ازدواج را انتخابی برای پیشبرد اهداف خود می‌بینند که اگر با اهدافشان همسو باشد، به آن تن می‌دهد و در غیر این صورت، آن را به تأخیر می‌اندازند و یا به‌شکل غیررسمی، آن را می‌پذیرند که تعهدات و مسئولیت‌های کمتری را متقبل شوند.

به‌طور کلی گفتنی است نتایج نشان می‌دهند وضعیت نگرش دختران دانشجو به ازدواج در جامعه مدنظر این پژوهش به‌شکل سنتی است. همچنین دینداری، قوی‌ترین و مؤثرترین پیش‌بینی‌کننده نگرش به ازدواج (در بعد سنتی) و محاسبه هزینه فرصت، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده نگرش به ازدواج (در بعد مدرن) است.

بیشترین تأثیر را متغیر دینداری در متغیر نگرش به ازدواج دارد. در مرتبه دوم، تأثیرگذاری متغیر هزینه فرصت قرار دارد. همچنین نتایج تحلیل مسیر در بعد نگرش سنتی به ازدواج، نشان داد مهم‌ترین و قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده نوع نگرش افراد، میزان دینداری است. متغیر هزینه فرصت در رده بعدی تأثیرگذاری قرار می‌گیرد. مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم دینداری در نگرش سنتی به ازدواج، ۰/۸۵۴ است. به اعتقاد بورديو سرمایه مذهبی (دینداری) سرمایه مؤثری در جامعه است، چنانکه گفتنی است این سرمایه، سبک زندگی (رفتارها و نگرش‌های مختلف) افراد دیندار را از افراد کم‌تر دیندار متمایز می‌کند. در جامعه ایرانی، مذهب، رکن اساسی زندگی فردی و اجتماعی تلقی می‌شود. در فرهنگ اسلامی به امر ازدواج دختران و پسران توصیه زیادی شده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد دینداری افراد در نگرش سنتی آن‌ها به ازدواج (اهمیت قراردادن زندگی بر پایه ایمان و ارزش‌های دینی، خودداری از روابط پیش از ازدواج با توجه به تأثیر منفی آن و ...) تأثیر دارد.

همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نگرش مدرن به ازدواج نیز نشان دادند میزان F این مدل ۱۶۵/۱۱ و میزان معناداری آن برابر ۰/۰۰۰ است و معناداری کل مدل را نشان می‌دهد. با مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد (Beta) نیز مشخص شد بیشترین تأثیر را متغیر هزینه فرصت در متغیر نگرش مدرن به ازدواج داشته است و پس از آن متغیر دینداری در مرتبه بعدی تأثیرگذاری در نگرش مدرن به ازدواج قرار داشته است.

در مجموع، نتایج تحلیل مسیر نیز نشان می‌دهند در بعد نگرش مدرن به ازدواج، متغیر هزینه فرصت، قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده است. متغیرهای سن مناسب ازدواج و دینداری در رده‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند؛ به عبارتی، بررسی تأثیرات کلی متغیرهای الگوی تحلیلی پژوهش در متغیر وابسته (نگرش مدرن به ازدواج) نشان می‌دهد مهم‌ترین و قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده تغییرات متغیر وابسته (نگرش

پیشنهادها

- از آنجا که با وجود تمایل فزاینده دانشجویان به ازدواج، اقدام به آن پایین‌تر از سطح مدنظر است، پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها، برنامه‌ریزان و مسئولان مربوط به نتایج مطالعاتی توجه کنند که درباره تعیین نگرش دانشجویان و کشف موانع در مسیر ازدواج آنان انجام می‌شود، تا نگرش‌ها و مسائل نگرشی آن‌ها نسبت به موضوعات مهمی چون ازدواج، محققانه‌تر بررسی شود.

- با توجه به وجود نقص‌هایی در هر دو نوع نگرش مربوط به ازدواج پیشنهاد می‌شود کارشناسان و نخبگان علمی، بازبینی‌ها و آسیب‌شناسی‌هایی درباره انواع نگرش مدرن و سنتی نسبت به ازدواج در جامعه انجام دهند، به‌گونه‌ای که ارزش‌هایی تعیین و آموزش داده شوند که ورای این دو نگرش و در چارچوب فرهنگ و دین قرار داشته باشند.

- از آنجایی که امروزه در رسانه‌های غربی تبلیغات ضد دینی خصوصاً ضد اسلام، گسترش پیدا کرده است و تبلیغات برای جایگزینی ارزش‌هایی در حوزه زنان، ازدواج و خانواده‌ها از جمله آزادی، خودشکوفایی، استقلال، کم‌رنگ کردن و کم‌ارزش کردن نقش مادری و همسری و... است، پیشنهاد می‌شود مسئولان و متخصصان در حوزه‌های آموزشی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی برای ارزش‌گذاری و پررنگ کردن اهمیت و ارزش جایگاه زن در خانواده در نقش مادر و همسر اقدام کنند.

- با توجه به حضور وسیع دختران در دانشگاه و پذیرفتن نقش‌های سنتی جنسیتی از سوی آنان، پیشنهاد می‌شود نوعی بازنگری نسبت به نقش‌های سنتی زنان در جامعه و حتی خانواده انجام شود تا تضادهای ناشی از تغییرات روند مدرن‌شدن نقش‌های جنسیتی تا حدودی کاهش یابند.

منابع

احمدی، خ.، براری، م. و سید اسماعیلی، ف. (۱۳۹۰). «نگرش مردم به ازدواج موقت»، فصلنامه علمی- پژوهشی

رفاه اجتماعی، س ۱۱، ش ۴۳، ص ۱۵۶-۱۳۵. اعزازی، ش. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده؛ با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

اعزازی، ش. (۱۳۸۰). تحلیل ساختار جنسیت: نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

امین مجد، ز. و کرمی، م.ت. (۱۳۸۹). «الگوی تقسیم جنسیتی خانواده هسته‌ای از دیدگاه پارسونز»، فصلنامه علمی- ترویجی بانوان شیعه، ش ۲۳، ص ۱۳۰-۹۶.

ایروانی، م. و باقریان، ف. (۱۳۸۳). شناخت اجتماعی (روان‌شناسی اجتماعی)، تهران: نشر ساولان.

اینگلهارت، ر. (۱۳۸۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه: وتر، م.، تهران: انتشارات کویر.

آستین‌افشان، پ. (۱۳۸۰). بررسی روند تحولات سن ازدواج زنان و عوامل اجتماعی- جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۱۳۵۵-۷۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

بلیکی، ن. (۱۳۹۰). طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه: چاوشیان، ح.، تهران: نشر نی

بیکر، ت. (۱۳۸۶). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه: نایبی، ه.، تهران: نشر نی.

حبیب پور گتایی، ک. و غفاری، غ.ر. (۱۳۹۰). «علل افزایش سن ازدواج دختران»، مجله زن در توسعه و سیاست، ش ۹۱، ص ۳۴-۷.

پورافکاری، ن.، عنبری روزبهانی، م. و حکیمی‌نیا، ب. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی

و نگرش به ازدواج، مطالعه موردی: دانشجویان دختر ۱۸-۲۵ ساله دانشگاه اصفهان»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی-

واحد شوشتر، س ۷، ش ۲، ص ۹۸-۷۳.

- جوادی یگانه، م. ر. (۱۳۸۷). «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۳، ص ۳۳-۶۴.
- حسینی، ح. و گراوند، م. (۱۳۹۲). «سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهشدت»، *نشریه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، ش ۱، ص ۱۰۱-۱۱۸.
- دلخمش، ت. (۱۳۸۶). «ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی»، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، س ۳، ش ۱۲، ص ۲۹۹-۳۰۹.
- دواس. دی. ای. (۱۳۸۷). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه: نایی، ه.، تهران: نشر نی.
- دوچ، م. و کراوس، ر. م. (۱۳۷۴). *نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه: کتبی، ر.، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ریاحی، ا. م. (۱۳۸۶). «عوامل مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی (مطالعه موردی: جوانان کارآموز در مراکز آموزش فنی حرفه‌ای استان مازندران)»، *پژوهش زنان*، دوره ۵، ش ۱، ص ۱۰۹-۱۳۶.
- زین‌آبادی، م. (۱۳۸۵). «تحلیل ثانویه دو پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (بررسی رابطه نگرش مذهبی و نگرش جنسیتی با الگوهای خانوادگی)»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۳۱، ص ۱۶۳-۲۲۲.
- شعاع کاظمی، م. و جعفری هرنندی، م. (۱۳۸۸). «بررسی مقایسه‌ای نگرش دانشجویان مجرد و متأهل نسبت به ازدواج از دیدگاه واقعیت‌درمانی گلاسر»، *فصلنامه پژوهشی اجتماعی*، س ۳، ش ۴، ص ۱۱۱-۱۲۸.
- ضرابی، و. و مصطفوی، س. ف. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران، یک رویکرد اقتصادی»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، س ۱۱، ش ۴، ص ۳۳-۶۴.
- عباسی شوازی، م. ج. و ترابی، ف. (۱۳۸۵). «تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷، ش ۴، ص ۱۱۹-۱۴۶.
- عسکری ندوشن، ع.، عباسی شوازی، م. ج. و صادقی، ر. (۱۳۸۸). «مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)»، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۴، ص ۷-۳۶.
- قاسمی، و. (۱۳۹۲). *مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos graphics*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- کاظمی پور، ش. (۱۳۷۸). «الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۴، ص ۱۳۹-۱۷۲.
- کاظمی پور، ش. (۱۳۸۸). «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، س ۱۳، ش ۲، ص ۷۵-۹۵.
- کاظمی، ز. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای در شکاف بین نگرش‌های دختران و مادران آن‌ها نسبت به ازدواج و خانواده»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، س ۶، ش ۲۳، ص ۲۹۹-۳۰۰.
- کریمی، ی. (۱۳۹۰). *نگرش و تغییر نگرش*، تهران: مؤسسه نشر ویرایش.
- کیویستو، پ. (۱۳۸۶). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه: صبوری، م.، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه: صبوری، م.، تهران: نشر نی.
- لیتل دانیل. (۱۳۷۳). *تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع*، ترجمه: سروش، ع.، تهران:

- انتشارات صراط.
- مؤثر بر نگرش والدین نسبت به روابط میان نوجوانان دختر و پسر در شهر تهران»، نامه انسان‌شناسی، س ۴، ش ۷، ص ۱۸۸-۱۶۱.
- Gorman, Elizabeth H. (2005) "Gender Stereotypes, Same-Gender Preferences, and Organizational Variation in the Hiring of Women: Evidence from Law Firms", *American Sociological Review*, 70:702-728.
- Gubernskaya, Z. (2008) "Changing Attitudes toward Marriage and Children in Six Countries", *Sociological Perspectives*. 53(2):179-200.
- Higgins, L. T., Zheng, M. Liu, Y. & Sun, C.H. (2002) "Attitudes to Marriage and Sexual Behavior: A Survey of Gender and Culture Differences in China and United Kingdom". *Sex Roles*. 46(3-4): 75-89.
- Malhotra, A., Tsui, A. & De Silva, V. (1992) "Mothers, Daughters and Marriage: Explaining Similarity in Generational Perceptions in Sri Lanka", Unpublished Report. In www.popline.org
- Martin, P. & Specter, G. & Martin, D. & Martin, M. (2003) "Expressed Attitude Of Adolescents Toward Marriage And Family Life", *Adolescence*, 38(150): 359-367.
- William, L. & Guest, M. (2009) "Lattitude Toward Marriage Among The Urban Middle- Class In Vietnam, Thailand and Philipines". *Journal of Comerative Family Studies*. 36(2):163-186.
- Willoughby, B. & Dworkin, J.D. (2009) "The Relationships Between Emerging Adults Expressed Desire To Marry And Frequency Of Participation In Risk Behaviors", *Youth & Society*, 40: 426-450.
- مجددی، ع.ا. و رضایی، ا. (۱۳۹۰). «سنجش نگرش دانشجویان پسر مجرد دانشگاه فردوسی نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، س ۲، ش ۴، ص ۱۸۳-۱۶۵.
- دلخوش، م.ت. (۱۳۹۲). «بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی»، روان‌شناسی تحولی، ش ۳۶، ص ۳۵۰-۳۳۱.
- محمودیان، ح. (۱۳۸۳). «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، ص ۸۵-۶۹.
- موحد، م. و عباسی شوازی، م.ت. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس در مرحله پیش از ازدواج»، فصلنامه مطالعات زنان، ش ۴، ص ۹۹-۶۷.
- نجیمی گشتاسب، ا. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای نقش جنسیتی با نگرش نسبت به ازدواج بر اساس نظریه طرحواره جنسیتی بم در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه هرمزگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بندرعباس، دانشگاه هرمزگان، استاد راهنما: دکتر سیدرضا فلاح چای.
- نیازی، م.، شاطریان، م. و شفایی مقدم، ا. (۱۳۹۴). «بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج، (مطالعه موردی: شهروندان شهرستان کاشان)». جامعه‌پژوهی فرهنگی، س ۶، ش ۲.
- هیوستون، م. و اشتروبه، و. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی اجتماعی از منظر اروپاییان، ترجمه: میراحمدیان، ع.، تهران: انتشارات سمپاد، انجمن ایرانی روان‌شناسی.
- وثوقی، م. و دائمی، ا. (۱۳۸۴). «عوامل اجتماعی - فرهنگی